

مقاله پژوهشی

تبیین جهت گیری های سیاست خارجی روسیه در قبال
پرونده هسته ای ایران از منظر ژئوپلیتیک انتقادی

حامد شهبازی^۱، اردشیر سناهی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

چکیده: بررسی سیاست خارجی روسیه پس از مطرح شدن پرونده هسته ای ایران در سال ۲۰۰۲ که در ابتدا با هرگونه شدت عمل و اعمال تحریم ها علیه ایران مخالفت کرده بود و سپس در سال ۲۰۰۶ با تغییر رویکرد سیاست خارجی اش با ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل موافقت کرد هدف مقاله حاضر است. این پژوهش ارائه گر پاسخ به این پرسش است که از منظر ژئوپلیتیک انتقادی، جهت گیری های روسیه در قبال پرونده هسته ای ایران به عنوان عضو دائم شورای امنیت، امضا کننده برجام و البته میانجی چگونه قابل تبیین است؟ فرضیه مقاله جهت گیری های سیاست خارجی روسیه در قبال تهران را با محوریت چند جهت گرایی، فرصت طلبی و عملگرایی تبیین می کند. یافته های مقاله ضمن به رسمیت شناختن ملاحظات ژئوپولیتیک و اقتصادی در مبانی سیاست خارجی روسیه، به این نتیجه گیری منجر می شود که این رویکردها به دلیل مبانی مادی گرایانه، دارای محدودیت هایی هستند. ژئوپلیتیک عملی به عنوان یکی از چهار حوزه پژوهشی ژئوپلیتیک انتقادی ارائه گر پاسخی به چرایی سیاست خارجی عمل گرایانه و «چندجهت گرایانه» روسیه خواهد بود. روسیه با نقش میانجی ضمن آنکه تلاش کرده ایران را در مدار ارتباطی خود نگه دارد از پرونده هسته ای هم در تنظیم روابطش با غرب بهره می گیرد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری داده ها کتابخانه ای است. در این راستا از کتاب ها، مقاله ها، اسناد، منابع اینترنتی و اظهار نظرهای کارشناسان و مقام های مربوطه برای گردآوری داده ها استفاده شده است.

واژگان کلیدی: پرونده هسته ای ایران، ژئوپلیتیک انتقادی، روسیه، سیاست خارجی، چند جهت گرایی

۱. دانشجوی دکترای روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

پرونده هسته‌ای ایران یکی از موضوعات تنش‌زا در سیاست بین‌المللی معاصر طی دو دهه گذشته است که به شکل‌گیری فضای چندقطبی در عرصه جهانی منجر شده است. آمریکا، روسیه، چین و کشورهای اروپایی درگیر مباحث داغی میان خود و جمهوری اسلامی ایران بر سر اهداف هسته‌ای تهران شدند. دولت‌های آمریکا از دوران جرج بوش^۳ و دولت روسیه در دوران زمامداری ولادیمیر پوتین^۴ به ویژه در قبال چگونگی برخورد مناسب و موثر با برنامه هسته‌ای ایران، روش‌های متفاوت و گاهی متناقض در پیش گرفتند.

آمریکا همواره تهران را مظنون به تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای متهم و از مجموعه‌ای از تحریم‌های دیپلماتیک و اقتصادی علیه ایران به منظور دست برداشتن این کشور از اهداف هسته‌ای‌اش حمایت کرد. روسیه که به طور سنتی با استفاده از قوه قهریه و تحریم‌ها برای حل و فصل موضوعات مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران مخالفت کرده، در سال ۲۰۰۶ رویکرد سیاست‌خارجی‌اش در قبال ایران را تغییر داد و در تضاد با موضع سخت‌پیشین خود با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل موافقت کرد؛ اقدامی که آمریکا و اروپا، مدت‌های طولانی برای پذیرش آن بر روسیه فشار وارد می‌کردند. در همان سال، روسیه به قطعنامه ۱۶۹۸ شورای امنیت پیوست که خواستار تعلیق تمامی فعالیت‌های غنی‌سازی و فرآوری پلوتونیوم از سوی ایران تا اوت سال ۲۰۰۶ شد که در غیر این صورت با اقدامات بیشتری از سوی شورای امنیت روبه‌رو خواهد شد. روسیه در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷، به رغم اعتراض و انتقاد شدید ایران از سه قطعنامه دیگر که تحریم‌های بیشتری را بر ایران به اتهام کوتاهی در تمکین به قطعنامه ۱۶۹۸ اعمال می‌کرد، حمایت کرد.

در سال ۲۰۰۹، روسیه در گروه موسوم به ۵+۱ متشکل از آمریکا، انگلیس، روسیه، چین، فرانسه و آلمان در قبال پیشنهادی مذاکره کرد که درهای تاسیسات هسته‌ای ایران را به سوی بازرسی‌های آژانس می‌گشود و اجازه صادرات اورانیوم با غنای پایین به روسیه و فرانسه برای فرآوری و تبدیل آن به میله‌های با غنای بالاتر برای راکتورهای ایران را می‌داد.

هنگامی که مذاکرات در آوریل ۲۰۱۰ به بن بست رسید، کابینه باراک اوباما رئیس‌جمهور وقت آمریکا، تلاش‌های خود را به منظور پیشبرد تحریم‌های چندجانبه علیه ایران تشدید و شورای امنیت

3. George W. Bush
4. Vladimir Putin

سازمان ملل در ژوئن ۲۰۱۰ قطعنامه ۱۹۲۹ را صادر کرد که تقویت تحریم‌ها علیه ایران را به دنبال داشت. روسیه به رغم اکره اولیه در حمایت از تحریم‌های شدیدتر علیه ایران و انتقاد شدید محمود احمدی نژاد رییس‌جمهور وقت ایران از این قطعنامه حمایت کرد.

کاهش روابط روسیه و ایران ناشی از حمایت‌های مسکو از تحریم‌ها علیه ایران مدت زمان زیادی طول نکشید. روابط دوجانبه روسیه و ایران در تابستان سال ۲۰۱۰ که دو کشور مجموعه‌ای از نشست‌ها و بحث‌ها را در قبال پیشنهادی برای ایجاد یک سیستم دفاع ضد موشکی برگزار کردند که چین را نیز در بر می‌گرفت، به گرمی گرایید.

با به قدرت رسیدن حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ و از زمان بازگشت ولادیمیر پوتین به کرملین در سال ۲۰۱۲، روابط ایران و روسیه تغییرات شگرفی را در مقایسه با سردی روابط دوجانبه در دو سال آخر ریاست جمهوری دیمیتری مدودف^۵ تجربه کرد و این‌گونه بود که پس از کش و قوس‌های فراوان و برگزاری نشست‌های متعدد میان جمهوری اسلامی ایران و ۶ کشور شامل پنج کشور عضو دائم شورای امنیت به همراه آلمان، توافق موسوم به «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ به امضا رسید که مسکو نقش قابل توجهی در تسهیل توافق میان کشورهای مذاکره‌کننده با تهران را داشت.

با این مقدمه سوال اصلی تحقیق این است که از منظر ژئوپلیتیک انتقادی، جهت‌گیری‌های سیاست‌خارجی روسیه در قبال پرونده هسته‌ای ایران چگونه قابل تبیین هستند؟

در عین حال تلاش می‌شود به این سوالات پاسخ داده شود که چه امری سیاست‌خارجی روسیه را در قبال ایران توضیح می‌دهد؟ چرا مواضع مسکو بین مقاومت در برابر تحریم‌ها و حمایت از اقدامات تنبیهی علیه ایران در نوسان بوده در عین حال که به رغم ملاحظات و اعتراضات آمریکا و کشورهای اروپایی، تسلیحات در اختیار ایران قرار داده و به ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر ادامه داد و چرا تلاش‌های مجدانه دولت آمریکا برای تطمیع، تهدید و متقاعد کردن روسیه به منظور توقف همکاری هسته‌ای و نظامی با تهران عمدتاً بی‌نتیجه بوده است و اینکه روسیه به عنوان میانجی در پرونده هسته‌ای ایران، تا چه میزان قابل اعتماد است که در آینده برای تامین منافعش، سیاست‌هایی را در پیش بگیرد که منافع ایران را به خطر نیندازد.

۱. پیشینه و ادبیات تحقیق

پژوهش‌های صورت گرفته و ادبیات تولید شده مرتبط با پژوهش حاضر را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱-۱. پژوهش‌های مرتبط با سیاست‌خارجی و راهبردهای روسیه

«چارچوب سیاست‌خارجی فدراسیون روسیه» مصوب ۱۲ فوریه ۲۰۱۳ در سایت وزارت خارجه این کشور که بیان می‌دارد این چارچوب توصیف نظام‌مند اصول اساسی، اولویت‌ها و اهداف سیاست‌خارجی روسیه است که مبتنی بر اصول و قوانین شناخته شده جهانی و حقوق بین‌الملل، پیمان‌های بین‌المللی است و در عین حال راهبرد امنیت ملی این کشور تا سال ۲۰۲۰ است (González, 2013, 2-20).

پژوهش اینگمار اولدبرگ^۶ با عنوان «راهبرد قدرت بزرگ روسیه تحت پوتین و مدودف» در مرکز امور بین‌المللی سوئد، جلد اول ۲۰۱۰ به این امر پرداخته که پس از به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰، سیاست‌خارجی روسیه بسیار جاه‌طلبانه و تندتر شده که ناشی از قدرت اقتصادی رو به رشد این کشور و تغییرات در جهان است که فرصت‌های طلایی را برای روسیه برای ایفای نقشی موثر در عرصه جهانی به دست آورد. اولدبرگ تاکید دارد که روسیه پس از فروپاشی شوروی هنوز پروژه سیاسی ناتمامی است چرا که هویت راهبردی در آن مورد توجه واقع نشده است و با طرح این پرسش که روسیه چگونه هویت بین‌المللی خود را بازتعریف خواهد کرد، شناخت رویکردهای روسیه برای بازیگران بین‌المللی را دشوار می‌بیند (Oldberg, 2010, 3-15).

مقاله «دیمیتری ترنین»^۷ با عنوان «چه امری واقعا سیاست‌خارجی جدید روسیه را به پیش می‌برد؟» در ۲۰ ژوئن ۲۰۱۳ در مرکز مطالعات «شیکاگو برای امور جهانی»^۸ به این امر اشاره دارد که روسیه به دنبال به قدرت رسیدن پوتین سه جهت (vector) در سیاست‌خارجی خود پیگیری کرده که نخستین آن ایجاد اتحاد قوی با آمریکا و توسعه روابط با اتحادیه اروپا بود که حاصل آن، حمایت پوتین از آمریکا پس از حملات ۱۱ سپتامبر بود. جهت دوم، از اواسط دهه ۲۰۰۰ با چرخش روسیه

6. Ingmar Oldberg

7. Dmitri Trenin

8. Chicago Council on Global Affair

از مدار سیاسی غرب و مخالفت با آمریکا در قبال شماری از موضوعات مهم در سیاست جهانی آغاز شد. ترین ایفای نقش دوگانه مدودف-پوتین با محوریت پوتین در سیاست خارجی را جهت سوم می‌داند که نماد آن بازتنظیم روابط با واشنگتن بود. از دید وی، تقویت ناسیونالیسم در داخل، تحولات بین‌المللی ناشی از بحران‌های مختلف، شرایط اقتصادی، عملگرایی در سیاست خارجی و تلاش برای تقویت جایگاه در نظام‌های منطقه‌ای بخشی از جهت‌گیری نوع چهارم در سیاست خارجی روسیه است (TRENIN,2013,No.2).

۲-۱. پژوهش‌های مرتبط با ژئوپولیتیک و هویت روسیه

مقاله بهاء‌الدین مریمی با عنوان «تبیین تاثیر ژئوپولیتیک روسیه بر موقعیت این کشور در ساختار نظام بین‌الملل در قرن ۲۱» مطالعات اوراسیای مرکزی سال هفتم بهار و تابستان ۱۳۹۳ شماره ۱ ذکر کرده که روسیه با بهره‌گیری از فرصت‌های حاصل از ژئوپولیتیک توانسته بخش اعظم قدرت از دست رفته پس از فروپاشی را باز یابد و نقش خود را به عنوان یک قدرت مهم و تأثیرگذار در عرصه معادلات و امنیت بین‌المللی تثبیت کند (بهاء‌الدین مریمی، ۱۳۹۳، ۲۱).

«تلاش روسیه برای هویت راهبردی» نوشته «استانیسلاو سکریرو»^۹ در کالج دفاعی ناتو (۲۰۰۶) با بررسی دیدگاه‌های ولادیمیر پوتین رییس جمهوری روسیه برای روسیه نوین در قرن ۲۱، ضمن اشاره به دل‌مشغولی‌های روسیه در قبال محیط پیرامونی خود، به این امر اشاره می‌کند که رهبران کرملین با پذیرش ضعف‌های روسیه به دنبال بهره‌گیری از ابزارهایی به منظور بازسازی این کشور تحت «واقع‌گرایی جدیدی» هستند که شامل فردگرایی، اقتصادگرایی و عملگرایی در سیاست خارجی این کشور است که تضمین‌کننده جایگاه ویژه آن در نظام بین‌الملل باشد (Secrieru,2006, NO.18). پژوهش «اصول اساسی تفکر راهبردی روسیه» نوشته لنا مورنکووا پریر^{۱۰} در مرکز مطالعات تحقیقات راهبردی اکوله میلیتاره (IRSEM) پاریس با بررسی ریشه‌های تفکری راهبردی روسیه از «رم سوم» تا «ایترنشنال سوم»، تحلیل ساخت نهادی و ایدئولوژیک روسیه، راهبرد جدید روسیه بر اساس «کنش‌های راهبردی» و طرد مدل غربی، احیای جاه‌طلبی‌های امپریالیستی و تجدید تقابل با آمریکا را مورد بررسی قرار داده است (Perrier, 2014, IRSEM, No.22 Morenkova).

9. Stanislav Secrieru

10. Morenkova Perrier

۳-۱. پژوهش‌های مرتبط با روابط ایران و روسیه

پایان‌نامه کارشناسی ارشد خدایار براری با عنوان «مبانی نگرشی سیاست‌خارجی روسیه در قبال ایران» در دانشکده مطالعات جهان که تاکید دارد با فروپاشی شوروی و تحولاتی که در نتیجه آن رخ داد، انتظار می‌رفت روابط ایران و روسیه نیز متحول شده و دو طرف جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌خارجی یکدیگر پیدا کنند. به نوشته وی، البته، باید اذعان داشت که از سوی ایران این امر اتفاق افتاد و در مورد اهمیت و جایگاه روسیه به عنوان یکی از اولویت‌ها در سیاست‌خارجی ایران تردیدی وجود ندارد. با این حال، هم‌چنان شاهد هستیم که روند همکاری‌ها و تعاملات دو دهه اخیر تهران-مسکو، با وجود پیشرفت‌هایی که صورت گرفته، روند ثابتی نبوده است (براری، ۱۳۸۹، ۱۲-۱۶).

همچنین مقاله «رویکرد روسیه نسبت به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه‌های سازه‌نگاری و ژئوپلیتیک» نوشته محمدرضا صالحی و یوسف باقری در فصلنامه سیاست‌خارجی سال سی و یکم بهار ۱۳۹۶ که با وجود این که تلاش کرده در قالب نظریه سازه‌نگاری و ژئوپلیتیک، رفتار سیاست‌خارجی روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران را تبیین کند در ارائه پاسخی روشن به نوسانات سیاست‌خارجی روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران با ارائه شواهد تاریخی ناکام مانده و رقابت‌های ژئوپلیتیک روسیه با ایران را از جمله عوامل مهم در کارشکنی مسکو در قبال برنامه هسته‌ای ایران در نظر گرفته و در عین حال به این پرسش پاسخ نداده است که اعمال تحریم‌ها علیه برنامه هسته‌ای ایران چگونه برای روسیه مفید واقع شده و چرا روسیه با کارشکنی‌ها به زعم نویسندگان مقاله، تلاش بسیاری در مذاکرات سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ که به امضای توافق برجام بین ایران و گروه ۵+۱ منجر شد، صورت داد (باقری-صالحی، ۱۳۹۶، ۱۵۶-۱۴۱).

مقاله «مبانی رفتار سیاست‌خارجی روسیه در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران» نوشته حسین پور احمدی، امیر عباس خوشکار در فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۸ شماره ۱، زمستان ۱۳۹۱ که با به کارگیری نظریه نواقع‌گرایی به دنبال بررسی و فهم عوامل و عناصر سطوح کلان تاثیرگذاری بر سیاست‌خارجی روسیه به عنوان یکی از بازیگران تاثیرگذار در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است (پوراحمدی، خوشکار، ۱۳۹۱، ۴۰). اما نواقع‌گرایی نیز به دلیل ماهیت مادی‌گرایانه خود در ارائه شرحی کامل در رفتار سیاست‌خارجی روسیه دارای محدودیت‌هایی است.

۲. چارچوب نظری مقاله؛ نظریه ژئوپلیتیک انتقادی

ژئوپلیتیک از جمله اصطلاحاتی است که امروزه کاربرد بسیاری یافته است؛ اصطلاحی که بین مقامات کشورها، سیاستمداران، روزنامه نگاران و دانشگاهیان بسیار رایج است. ژئوپلیتیک روشی برای دیدن جهان است همان گونه که در واقع است. ژئوپلیتیک سستی که به سنت رئالیسم سیاسی در روابط بین الملل مرتبط است، از منظر ژئوپلیتیک انتقادی به عنوان ایدئولوژی دیده می شود که شماری از خونین ترین عملیات های نظامی در قرن بیستم و قرن بیست و یکم را مشروعیت بخشیده است (Klinke, 2009,01).

ژئوپلیتیک انتقادی بستری است که در دهه ۱۹۹۰ به عنوان رابطی بین جغرافیای سیاسی و روابط بین الملل ظاهر شد. به رغم دیدگاه های پساتجددگرایانه متناقض که مبنای ژئوپلیتیک انتقادی است، این نظریه به دلیل رد استدلال های ژئوپلیتیک سستی شناخته شده است. هدف ژئوپلیتیک انتقادی، به دنبال زیر سوال بردن ژئوپلیتیک سستی به دلیل ماهیت مادی گرایانه آن است. از این رو، ژئوپلیتیک انتقادی به جای استدلال از جایگاه هنجاری ثابت (لیبرالیسم جهانی یا سوسیالیسم آرمان گرایانه)، تلاش می کند که از ژئوپلیتیک سستی به وسیله قرار دادن آن در بافت تاریخی آن و بزرگنمایی تناقضاتی که در این نظریه وجود دارد، مشروعیت زدایی کند (Klinke, 2009,03).

ژئوپلیتیک را می توان به عنوان یک نظریه حل المسائل در راستای مفهوم سازی و کنش سیاست مداری توصیف نمود. ژئوپلیتیک خود را شکلی از دانش و عقلانیت می داند و ضمن مطالعه ساختار موجود قدرت، به عنوان راهنمایی برای تصمیم گیران سیاست خارجی عمل می کند. شیوه بیان ژئوپلیتیک اثباتی و دستوری است، به این صورت که واقعیت های جهان را تشریح کرده و نحوه عمل و اقدام را پیشنهاد می دهد. ژئوپلیتیک یک مبحث پژوهشی در محل برخورد دانش، سیاست و جغرافیا است. به طور سستی این مفهوم به مطالعه اثرات عوامل جغرافیایی در روابط بین الملل می پردازد و به علاوه در روابط بین الملل به مطالعات سیاست قدرت نیز اشاره دارد. فراساختارگرها معتقدند ژئوپلیتیک قبل از هر چیز در رابطه با ادراکات و تصورات جغرافیایی شکل دهنده سیاست خارجی است (سلیمانی مقدم، پیشگامی فرد، ۱۳۸۸، ۹۶).

۲-۱. ژئوپلیتیک انتقادی و سیاست خارجی

یکی از اهداف ژئوپلیتیک انتقادی، تحلیل کشورداری یا سیاست خارجی است. این تحلیل، موضوعی بسیار مهم برای تحقیق در ژئوپلیتیک است زیرا کارشناسان آن، درگیر شکل دهی و ارزیابی

تفاسیر مربوط به فضا و مکان می‌شوند (میرحیدر، ۱۳۷۹، ۳۸۹). ژئوپلیتیک انتقادی از این استدلال ناشی می‌شود که رهبران کشورها و تصمیم‌گیران سیاسی صرفاً کشورهای خود یا معنای امور بین‌الملل از منظر موقعیت جغرافیایی یا ساختارهای عینی تهدیدکننده کشورشان در نظام بین‌کشوری را، همان‌گونه که ژئوپلیتیک سنتی بیان می‌کند، نمی‌بینند. برعکس، این تصمیم‌گیران سیاست‌خارجی و روشنفکران هستند که معنا و مفهوم امور بین‌الملل و منافع کشور را در فرهنگ ژئوپلیتیک کشورهای خود می‌سازند. در این جا فرهنگ ژئوپلیتیک را می‌توان به عنوان سنت‌ها و فرهنگ تفسیری تعریف نمود که در آن یک کشور به هویت خود و رویارویی‌اش با کشورهای جهان معنا و مفهوم می‌دهد و مجموعه‌ای از استراتژی‌ها را برای مذاکره و رویارویی تدوین می‌نماید (O'Loughlin&Others, 2004:5).

۲-۲. حوزه‌های پژوهش ژئوپلیتیک انتقادی

اتواتیل^{۱۱} به عنوان یکی از شارحان اصلی چهار عرصه پژوهشی ژئوپلیتیک انتقادی را معرفی می‌نماید: ژئوپلیتیک رسمی که به بررسی نظریات ژئوپلیتیک سنتی می‌پردازد. ژئوپلیتیک عمومی که راجع به تصورات فرهنگی، ادراکات جغرافیایی و تصاویر مردم از خارج است. ژئوپلیتیک عملی که به بحث پیرامون کنش‌ها و ملاحظات ژئوپلیتیک عملی کشور می‌پردازد و ژئوپلیتیک ساختاری که در ارتباط با اوضاع و شرایط اساسی ژئوپلیتیک کنونی بحث می‌کند و به بررسی فرآیندها، گرایش‌ها و تناقضات جهانی و پیامدهای جهانی شدن و گسترش اطلاعات و ارتباطات می‌پردازد (Walter, 2002:5).

در راستای موضوع مقاله حاضر یعنی تبیین جهت‌گیری‌های سیاست‌خارجی روسیه در قبال پرونده هسته‌ای ایران از منظر ژئوپلیتیک انتقادی تشریح ژئوپلیتیک عملی ابزاری سودمند برای شناخت بینش و عملگرایی سیاستمداران روس در قبال پرونده هسته‌ای ایران محسوب می‌شود. روسیه به عنوان یکی از بازیگران اصلی در پرونده هسته‌ای ایران به رغم نوسانی که در سیاست‌ها و اقداماتش در موضوع هسته‌ای ایران داشته، در عین حال که توانسته ایران را در مدار تصمیم‌گیری‌ها و اقداماتش حفظ کند، دیگر بازیگران موثر در پرونده هسته‌ای ایران را نیز متأثر از اقداماتش قرار داده است. ادبیات تولید شده برای تبیین روابط بین دو کشور و جهت‌گیری‌های سیاست‌خارجی روسیه

11. O'Tuathail

درباره ایران عمدتاً یا ملاحظات ژئوپولیتیک را مد نظر داشته‌اند یا انتفاع اقتصادی را و معدود پژوهش‌هایی نیز با رویکرد سازه‌انگارانه، مولفه هویت را برای تجزیه و تحلیل سیاست‌خارجی روسیه مد نظر داشته‌اند. این پژوهش‌ها، مطالعه موردی کاربردی صورت نداده‌اند و در تحلیل‌های خود، همه جنبه‌های کنش سیاسی بین‌المللی روسیه در قبال جمهوری اسلامی ایران را مد نظر نداشته‌اند. پژوهش حاضر با درک خلاء مطالعه موردی در قبال جهت‌گیری‌های نوسانی سیاست‌خارجی روسیه، نظریه ژئوپولیتیک انتقادی را چارچوب به مراتب مناسب‌تری برای تجزیه و تحلیل رفتار سیاسی پرنوسان روسیه در قبال پرونده هسته‌ای ایران می‌داند که به دنبال بررسی سیاست‌خارجی روسیه بر اساس «دستورالعمل ژئوپولیتیک» خاص این کشور در قبال ایران است که در این بستر سیاست‌خارجی روسیه در برابر ایران به مجموعه‌ای از تصمیمات مجزا جهت متعادل ساختن اولویت‌های اقتصادی، منافع ژئواستراتژیک و در عین حال ملاحظات رهبری روسیه در قبال عدم گسترش هسته‌ای تبدیل شده است.

ژئوپولیتیک عملی به معنای استدلال ژئوپولیتیک در کنش‌های سیاست‌خارجی، کارگزاران دولتی و نهادهای سیاسی است (Mamadouh, 2004:2). ژئوپولیتیک عملی در رابطه با ساخت و فضایی کردن روزانه سیاست‌خارجی در درون امور بین‌الملل و منافع کشور توسط رهبران و حاکمان است. این شاخه به مطالعه آن بخش از فعالیت‌های دولت می‌پردازد که در ارتباط با فضایی کردن جهان است و توسط دستگاه سیاست‌خارجی کشور اجرا می‌شود و به مطالعه سیاست‌های جغرافیایی‌ای به صورت روزمره در ارتباط با کنش‌های خارجی می‌پردازد که عملاً صورت می‌گیرند. ژئوپولیتیک عملی بررسی می‌نماید که چگونه ادراکات و تصورات جغرافیایی رایج، تصمیمات و مفهوم‌سازی‌های سیاست‌گذاران خارجی را قالب‌بندی و تنظیم می‌کنند. ژئوپولیتیک عملی تشریح‌کننده کنش واقعی استراتژی ژئوپولیتیک سیاست‌خارجی است (Campbell & Others, 1996: 657).

آن‌ها در پی تعیین منافع یک کشور، مشخص کردن تهدیدهای احتمالی و تنظیم سیاست‌های مناسب در راستای منافع کشور و مقابله با تهدیدات قابل درک هستند. استدلال ژئوپولیتیک عملی بدین معناست که تصمیم‌گیران سیاست‌خارجی چگونه بحران‌های بین‌المللی را درک و معنا می‌کنند، داستان‌هایی را برای توضیح و توجیه این بحران‌ها می‌سازند، استراتژی‌هایی را برای مدیریت این بحران‌ها به عنوان چالش‌های سیاسی شکل می‌دهند و چگونه راه‌حل‌هایی را برای آن‌ها مفهوم‌آفرینی می‌کنند (O'Tuathail, 2002:603).

۳. روسیه و ساختار نظام بین‌الملل

ساختار نظام بین‌الملل بر اساس نحوه کلی توزیع قدرت، پویاها و منافع بازیگران اصلی و شیوه تنظیم بخش‌های آن نظام تعریف می‌شود. نگرش‌های روسیه به نظام بین‌الملل و جایگاه‌های آن غالباً در منظر «رنالیستی» و به عنوان امری «ثابت» و «بدیهی» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با وجود آنکه تشکیلات سیاست‌خارجی روسیه به روابط بین‌الملل به عنوان مبارزه بی‌پایان برای منافع و نزاع بر سر کسب سلطه می‌نگرد، خطرات موجود علیه امنیت روسیه و در عین حال علیه انگاره «خود» از زمان استقلال این کشور به ویژه از زمان به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین تغییر کرده است. دهه‌ها قبل از فروپاشی، روسیه در تعامل با جهان خارج رفتاری را توسعه داد و بر اساس آن عمل می‌کرد که فعالیت‌های سیاست‌خارجی حکومت تزاری یا شوروی با ویژگی‌هایی چون انزوایی خودکار خودکفایی، کناره‌گیری، تسلط، غلبه یا الحاق شناخته می‌شدند. اما پایان جنگ سرد دولت‌های روسیه یکی پس از دیگری با درجات مختلفی از موفقیت به دنبال همگرایی به عنوان ابزار تعامل با جهان پیرامون بودند.

رویکرد چندجهت‌گرای دولت‌های پوتین ارائه‌گر پاسخی به شکست کشور برای همگرایی با غرب نهادینه شده، غیرممکن بودن همگرایی خودکفا در درون حوزه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و انزوا از همگرایی بود که روسیه در پایان قرن بیستم روبه‌رو شده بود. تلاش روسیه در دوره جدید، برای مکان‌یابی بهتر و بالاتر در ترتیبات نظام بین‌الملل ترجمانی از نوع برداشت نخبگان این کشور از چگونگی ساختار نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد و آرمان آن‌ها در تبدیل روسیه به قدرتی بزرگ در عرصه خارجی بود (Blanche 2007: 2).

از دید رییس‌جمهور روسیه و دولت‌مردان او نظام تک‌قطبی وضعیتی موقت و ناپایدار بود، که با وقوع تحولات و ائتلاف‌های جدید درون سیستمی و ظهور مراکز جدید قدرت از جمله اتحادیه اروپا، چین، هند و روسیه اساس آن به چالش کشیده شده و دیری نمی‌گذرد که موازنه قدرت به شکلی جدید در عرصه روابط بین‌الملل برقرار شود. اما تا شکل‌گیری نظم جدید، نظام حاکم «تک‌قطبی متکثر»^{۱۲} و یا «شکل متعادلی از تک‌قطبی»^{۱۳} بود. پوتین با در نظر داشتن ضعف‌های روسیه هدف مهم این کشور را در دور گذار به نظم جدید اجتناب از به چالش کشیدن نظم تک‌قطبی و حتی تلاش برای حفظ ثبات آن

12. Pluralistic Unipolarity

13. Moderate Unipolarity

می‌دانست، اما تأکید می‌کرد که مسکو باید هم‌زمان گرایش به تکثر در این سیستم را تشویق و تمایل به تثبیت نظم تک‌قطبی را کاهش دهد (Shakleyina and Bogaturov 2004: 45).

تلاش‌های عملی و نظری روسیه برای تغییر تدریجی وضع موجود و دستیابی به موقعیتی بالاتر در مدیریت ترتیبات نظام بین‌الملل، به ویژه در دور دوم ریاست‌جمهوری پوتین موجب برانگیخته شدن احساس تهدید آمریکا برای موقعیت برتر خود در نظم بین‌الملل دوران پسا شوروی شد که به این موضوع به‌مثابه نوعی معادله با حاصل جمع صفر می‌نگریست. دوران ریاست‌جمهوری پوتین بیانگر التزام او به اصول پراگماتیستی^{۱۴} در سیاست‌خارجی روسیه است. در ادامه به چستی این اصول و چگونگی تأثیر آن‌ها بر فراگردهای رفتاری روسیه در عرصه بین‌الملل پرداخته می‌شود.

در آغاز قرن ۲۱، چندجهت‌گرایی^{۱۵} در برگیرنده تلاش دیگری از سوی رهبران روسیه برای غلبه بر بحران‌ها و شکل‌گیری هویت راهبردی بود. این اصطلاح از جمله ترم‌هایی است که برای اهداف کاربردی تحقیق حاضر و تبیین موضوعات به ناچار برای اصطلاح انگلیسی Multivectorism به عنوان معادل فارسی به کار گرفته شده است. راهبرد چندجهت‌گرا را می‌توان در سطحی وسیع‌تر روش روسی انطباق با مختصات راهبردی بین‌المللی دانست که در عین حال به دنبال دگرگونی داخلی در راستای الگوی تغییر محافظه‌کارانه است. با این حال، با نگاهی دقیق‌تر، چندجهت‌گرایی نمایانگر دغدغه‌های جدی روسیه در سیاست‌خارجی آن است. بنابراین انگیزه تبدیل شدن به قدرت بزرگ برای ایفای نقشی ویژه در نظام بین‌المللی عزم تصمیم‌گیران روسی در جستجوی توازن مناسبی بین موازنه قدرت عمل‌گرا و تاکتیک‌های همگرایی بین‌المللی را جزم کرده است (Kononenko 2003: 1).

۳-۱. ژئوپلیتیک انتقادی و سیاست‌خارجی روسیه

دیدگاه ژئوپلیتیکی نخبگان سیاسی روسیه و گفتمانهای «روشنفکران کشورداری» همواره مورد بحث و بررسی پژوهشگران این حوزه بوده است به ویژه آنکه شماری از کارشناسان، ژئوپلیتیک انتقادی را ابزاری برای تحلیل بهتر رفتارها و کردارهای رهبران روس در پیگیری منافع ملی خود می‌دانند. ژئوپلیتیک انتقادی بر این امر متمرکز است که چگونه «فضای جهانی دائماً از سوی مراکز قدرت و اقتدار بازتفسیر و بازنویسی می‌شود (OTuathail, 1996, 249) و به این امر علاقه دارد که

۱۴. عمل‌گرایی

چگونه تحلیل ژئوپلیتیکی به عنوان ابزاری در اجرای سیاست خارجی کشورها عمل می‌کند. همان گونه که «دادز»^{۱۶} استدلال می‌کند «کاربرد سیاست خارجی به طور ذاتی ژئوپلیتیکی است چرا که درگیر ساخت معانی و ارزشهای فضاها و مکانهاست (Dodds, 1993, 71). با این حال این فرض اشتباه است که تلقی شود سیاست خارجی اقدامی ایستا و باثبات است. برعکس سیاست خارجی به طور مستمری در حال بازتولید و بازتنظیم هویت دولت در واکنش به برداشتها و واقعتهای تغییر یافته در نظام جهانی است. سیاست خارجی برای این نیل به این هدف، به اقدامی دولتی تبدیل می‌شود که هدفش نامگذاری مکانها به منظور تبادل ایده‌ها در قبال معنایی است که از آنها استنتاج می‌شود (Agnew, 2003; Campbell, 1992).

۲-۳. ژئوپلیتیک انتقادی، سیاست خارجی روسیه و پرونده هسته‌ای ایران

برنامه هسته‌ای ایران یکی از موضوعات تنش‌زا در سیاست بین‌المللی معاصر است که به شکل گیری فضای قطبی در عرصه جهانی منجر شده است. آمریکا، روسیه، چین، کشورهای اروپایی درگیر مباحث داغی میان خود و جمهوری اسلامی ایران بر سر اهداف هسته‌ای تهران شدند (Omelicheva, 2012, 331-344). دولت آمریکا تهران را مظنون به تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای متهم و از مجموعه‌ای از تحریم‌های دیپلماتیک و اقتصادی علیه ایران به منظور دست برداشتن این کشور از اهداف هسته‌ایش حمایت کرد. روسیه که به طور سنتی با استفاده از قوه قهریه و تحریم‌ها برای حل و فصل این موضوعات مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران مخالفت کرده بود در سال ۲۰۰۶ رویکرد سیاست خارجی‌اش در قبال ایران هسته‌ای را تغییر داد و در تضاد با موضع سخت پیشین خود در مخالفت با هر گونه اقدامات تنبیهی علیه ایران با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل موافقت و از قطعنامه‌های شورای امنیت حمایت کرد (Katz, 2006, 125-131).

در سال ۲۰۰۹، روسیه در گروه موسوم به ۵+۱ متشکل از آمریکا، انگلیس، روسیه، چین، فرانسه و آلمان در قبال پیشنهادی مذاکره کردند که درهای تاسیسات هسته‌ای ایران را به سوی بازرسی‌های آژانس می‌گشود و اجازه صادرات اورانیوم با غنای پایین^{۱۷} به روسیه و فرانسه را برای فرآوری و تبدیل آن به میله‌های با غنای بالاتر برای راکتورهای ایران را می‌داد (Katz, 2010, 62-69).

16. Dodds

17. LIU

هنگامی که مذاکرات در آوریل ۲۰۱۰ به بن بست رسید، شورای امنیت سازمان ملل در ژوئن ۲۰۱۰ قطعنامه ۱۹۲۹ را صادر کرد که تحریم‌ها علیه ایران را از طریق گنجاندن ممنوعیت علیه فروش سلاح و فروش هر کالایی که به غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران کمک می‌کند، تقویت کرد. روسیه به رغم اکراه اولیه در حمایت از تحریم‌های شدیدتر علیه ایران و انتقاد شدید محمود احمدی نژاد رییس‌جمهور وقت ایران از این قطعنامه حمایت کرد (Iskenderov, 2010, 4).

کاهش روابط روسیه و ایران که در پی این امر صورت گرفت و تهران اقدام مسکو را خبیثانه تلقی کرد، مدت زمان زیادی طول نکشید. روابط دوجانبه روسیه و ایران در تابستان سال ۲۰۱۰ که دو کشور مجموعه‌ای از نشست‌ها و بحث‌ها را در قبال پیشنهادی برای ایجاد یک سیستم دفاع ضد موشکی برگزار کردند که چین را نیز در بر می‌گرفت، به گرمایی گرایید (Fillin, 2011, 4).

مقاله حاضر به رغم به رسمیت شناختن رویکردهای سیاست‌خارجی روسیه در قبال ایران مبتنی بر ملاحظات ژئوپولیتیک و اقتصادی در تبیین برخی جنبه‌های تصمیمات و اقدامات سیاست‌خارجی روسیه، استدلال می‌کند که این رویکردها هنوز هم به دلیل مبانی مادی‌گرایانه آن‌ها، دارای محدودیت‌هایی هستند.

رویکرد ژئوپولیتیک انتقادی به جای مفهوم‌سازی و پرداختن به سیاست به عنوان نزاع ناتمام برای زمین و منابع از سوی واحدهای سرزمینی علاقمند در بیشینه‌سازی قدرت و ثروت، به سیاست به عنوان عمل اجتماعی، فرهنگی، گفتمانی و سیاسی «ساخت ادعاهای هستی‌شناختی» می‌نگرد (Omelicheva, 2012, 331-344). دولت‌ها به طور مستمری درگیر ساختن، دفاع و تجربه کردن ادعاهای جایگزین درباره «حقایق» سیاست جهانی هستند. بنابراین آن‌ها، دستورالعمل‌ها^{۱۸} یا نگرش‌های ژئوپولیتیک متمایزی در قبال زیست بین‌المللی هستند.

در واقع، سیاست روسیه در قبال ایران را در بافت دستورالعمل‌های ژئوپولیتیک این کشور و تلاش آن برای هویت یک دولت ابرقدرت می‌توان بهتر درک کرد که به نگرش‌های آن به سیاست جهانی شکل می‌دهد. با وجود آن‌که تشکیلات سیاست‌خارجی روسیه به روابط بین‌المللی به عنوان مبارزه بی‌پایان برای منافع و نزاع بر سر کسب سلطه می‌نگرند، خطرات موجود علیه امنیت روسیه و در عین حال علیه انگاره «خود»^{۱۹} از زمان استقلال این کشور تغییر کرده است. سطح اعتماد به نفس

18. Code

19. Self

روسیه درباره ظهور مجددش در عرصه جهانی در عین حال طی دهه گذشته افزایش داشته است. این امر نه تنها ناشی از بهبود اقتصادی روسیه ناشی از نقش انرژی به عنوان ابزاری در راستای تامین اهداف روسیه در بازارهای جهانی بود بلکه به تلاش‌های کرملین در احیای انگاره‌های عظمت روسیه مرتبط می‌شد (Secieru, 2006, 19).

بر اساس نظریه ژئوپولیتیک انتقادی، سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه از یک منطق مشخص از پیش تعیین شده ژئوپلیتیکی یا ژئواکونومیکی تبعیت نمی‌کند. روسیه به مانند دیگر کشورها، «دستورالعمل ژئوپلیتیکی»^{۲۰} خاص خود را توسعه داد که در تجارب داخلی و بین‌المللی آن ریشه دارد و با هویت روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ درهم تنیده است.

از این منظر، سیاست خارجی روسیه در قبال ایران به مجموعه‌ای از تصمیمات مجزا جهت متعادل ساختن اولویت‌های اقتصادی، منافع ژئواستراتژیک و در عین حال ملاحظات رهبری روسیه در قبال مدیریت عدم گسترش هسته‌ای تبدیل شده که ملاحظات راهبردی خاص خود را داشته است. مسکو پیش از همراهی با تحریم‌ها علیه ایران در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸، و سپس در سال ۲۰۱۰، در مذاکرات با ایران بر سر طرح غنی‌سازی اورانیوم مشارکت کرد. آن مذاکرات از چند جهت برای مسکو دارای اهمیت بود. نخست آن‌که حل و فصل موفقیت آمیز بن بست به وجود آمده با ایران بر سر فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم آن جایگاه بین‌المللی روسیه به عنوان مذاکره کننده را بالا می‌برد که این امر ضربه‌ای به «قدرت نرم» آمریکا و مجموعه تحریم‌های آن بود.

دوم، ایران با رضایت دادن به پیشنهاد روسیه مبنی بر غنی‌سازی اورانیوم در خاک این کشور، به مسکو در تبدیل شدن به نخستین بانک اورانیوم با غنای کم^{۲۱} کمک می‌کرد که مسکو را در موقعیت اعمال فشار قابل توجه بر ایران قرار می‌داد. اجرای موفقیت آمیز این پیشنهاد به ایده روسیه برای ایجاد نخستین بانک اورانیوم با غنای کم در خاک خود اعتبار می‌بخشید. این امر نقش رهبری روسیه در حوزه گسترش هسته‌ای را تقویت می‌کرد. این امر در عین حال در خدمت منافع ژئواستراتژیک روسیه بود (Mohamed El-Khawas, 2011, 93-113).

ذکر این نکته ضروری است که وجود ایران به عنوان یکی از اعضای باشگاه هسته‌ای هرگز در راستای منافع روسیه نبوده است. توانایی مسکو در تاثیرگذاری در منطقه خاورمیانه در صورتی که

20. Geopolitical code

21. LEU

تهران به توانایی‌های هسته‌ای تسلیحاتی دست یابد، به شدت محدود می‌شود. حمایت مسکو از آخرین دور قطعنامه‌های شورای امنیت از جهاتی ناشی از تحقق این چشم اندازها از سوی دولت روسیه به ویژه پس از کشف تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم نزدیک قم بوده است.

در واقع تحریم‌ها به طریقی برای مسکو سودمند بوده است. روسیه در روشی فاقد اصول اخلاقی، تحریم‌ها را از طریق به کارگیری رویکردی جدید در قبال ایران که خواستار کاهش تحریم‌ها می‌شد هر زمان که تهران برخی از خواسته‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تامین کند، به سود خود گرداند. راه حل روسیه که بر اصول «عمل متقابل و تدریجی گرایی»^{۲۲} تاکید داشت، در ابتدا از سوی دولت ایران مورد حمایت قرار گرفت که به نظر رسید از طرح جدید در سپتامبر ۲۰۱۱ استقبال کرد (Surkov, 2011, 7). دولت روسیه به دنبال آن بوده که از دست دادن ایران اجتناب کند که به دلیل تنش‌ها و تهدیدات فزاینده آمریکا تحت فشار شدید قرار گرفته و ممکن بود واشنگتن را درگیر مناقشه با ایران کرده یا تهران را وادار به پیشبرد برنامه هسته‌ای خود با صرف نظر کردن از روسیه وادار سازد. روسیه در عین حال به عنوان یک میانجی بین ایران و مابقی جهان ایفای نقش کرده و نقش مسکو در قبال اعضای توافق برجام با ۵+۱ در سال ۲۰۱۵ قابل توجه است.

نتیجه‌گیری

هدف مقاله حاضر یافتن پاسخی برای موضع‌گیری نوسانی و غیر مستمر روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران و تحریم‌های چندجانبه علیه تهران بوده است. در این پژوهش این گونه استدلال شد که رویکردهای متعارفی که تصمیمات سیاست‌خارجی روسیه را به محاسبات ژئواستراتژیک یا ملاحظات سودمند اقتصادی مرتبط می‌کنند، به کفایت تبیین کننده رفتار نوسانی سیاست‌خارجی مسکو نیستند زیرا آن‌ها تاثیر نیروهای غیرمادی به ویژه برداشت‌های در حال تغییر و منحصر به فرد ژئوپلیتیکی در نزد دولت روسیه را مورد توجه قرار نمی‌دهند. این پژوهش برای تشریح موضع روسیه در قبال ایران به نظر ژئوپولیتیک انتقادی متوسل شده و تلاش کرد رویکردهای تصمیمات سیاست‌خارجی روسیه را از منظر «قواعد منطقی» خاص این کشور و فهم روسیه از دستورالعمل‌های ژئوپلیتیک تبیین کند.

نگرش روسیه درباره چارچوب راهبردی خود طی زمان متحول شده نظیر تغییر افکاری که درباره جایگاه خود در روابط بین‌المللی روی داده است. امروزه، روسیه خود را به عنوان یک «قدرت بزرگ مستقل» می‌نگرد که منابع نفوذ آن نیز متنوع شده است.

اصل مسلط ژئوپلیتیکی روسیه به نحوی است که هر گونه تعهد، اتحاد، دوستی یا دشمنی دائمی را رد می‌کند اما منافع کوتاه مدت و راهبردی خود را که مبتنی بر هویتش به عنوان یک قدرت بزرگ مستقل است پیگیری می‌کند. چندجهت‌گرایی به عنوان رویکرد ویژه سیاست‌خارجی روسیه می‌بایست به روسیه کمک کند تا از تقابل با قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل اجتناب کرده و زمینه حضور مطلوب در محیط پیرامونی و حصول اطمینان از پیگیری کارآمد منافع ملی را فراهم کند.

رویکرد عملگرایانه کنونی روسیه، روابط مسکو با تهران را به نشانه منطق جدید ژئوپولیتیک روسیه و سیاست‌خارجی «چند جهت‌گرایانه»^{۲۳} تبدیل کرده است. در واقع، روسیه به رغم فرصت‌طلبی مشهود تاکنون توانسته هر آنچه را که در این بعد روابط سیاست‌خارجی، خواهان آن است کسب کند. روسیه توانسته است از دور شدن کامل ایران از خود اجتناب کرده در عین حال که این سبک از سیاست‌خارجی به روسیه اجازه داده است که آمریکا و کشورهای اروپایی را نیز دلسرد نکند. برعکس، روسیه توانسته از تأثیرگذاری هر چه بیشتر آمریکا در خاورمیانه جلوگیری کرده و دولت آمریکا را به ارائه امتیازات گسترده به روسیه وادارد. چندجهت‌گرایی به آزمون و نماد استقلال راهبردی روسیه در سیاست‌خارجی آن و توانایی آن برای تقابل با غرب و دیگر فشارهای بین‌المللی تبدیل شده که مسکو برای مدت‌های طولانی خواهان آن بوده است.

منابع

۱. آندری یوا، النا ۱۳۸۹، «روسیه و ایران در بازی بزرگ سفرنامه‌ها و شرق‌گرایی»، مترجم کولایی، الهه و محمد کاظم شجاعی، تهران: دانشگاه تهران.
۲. حافظ نیا، محمدرضا ۱۳۸۵، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد انتشارات پاپلی.
۳. مویر، ریچارد ۱۳۷۹. «درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی»، ترجمه دره میرحیدر، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

۴. باقری، یوسف؛ صالحی، محمد رضا (۱۳۹۶)، «رویکرد روسیه نسبت به برنامه هسته‌ای ج.ج. اسلامی ایران از منظر نظریه‌های سازه‌انگاری و ژئوپلیتیک»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و یکم - شماره ۴
۵. براری، خدایار (۱۳۸۹)، « مبانی نگرشی سیاست خارجی روسیه در قبال ایران»، دانشکده مطالعات جهان، مطالعات روسیه، آسیای میانه و قفقاز.
۶. پیشگاهی فرد، زهرا؛ سلیمانی مقدم، پرویز (۱۳۸۸)، «کنش‌های استدلالی ژئوپلیتیک انتقادی»، جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران) دوره جدید، سال هفتم، شماره ۲۳،
۷. پوراحمدی حسین، و امیرعباس خوشکار (۱۳۹۱)، «مبانی رفتار سیاست خارجی روسیه در قبال جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه سیاسی، سال هشتم شماره اول، زمستان.
۸. ثقفی عامری، ناصر (۱۳۷۹)، «سیاست امنیتی روسیه»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۱.
۹. زادوخین، آ.گ (۱۳۸۴)، سیاست خارجی روسیه: خودآگاهی و منافع ملی، مترجم: مهدی سنایی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۱۰. مریمی، بهاء‌الدین (۱۳۹۱)، «تبیین تاثیر ژئوپولیتیک روسیه بر موقعیت این کشور در ساختار نظام بین‌الملل در قرن ۲۱»، مطالعات اوراسیای مرکزی سال هفتم بهار و تابستان ۱۳۹۳ شماره.

11. Agnew, J. (2003) *Geopolitics: Re-visioning World Politics*, 2nd edn. London: Routledge. - Agnew, J. (2005a) *Sovereignty Regimes: Territoriality and State Authority in Contemporary World Politics*. *Annals of the Association of American Geographers* 95 (2), 437-61.
12. Alexander V. Nemets and Robert W. Kurz, 'The Iranian space program and Russian assistance', *The Journal of Slavic Military Studies*, 22(1), January 2009, pp. 87-96;
13. Andrey Kazantsev, 'The crisis of Gazprom as the crisis of Russia's "energy super-state" policy towards Europe and the former Soviet Union', *Caucasian Review of International Affairs*, 4(3), Summer 2010, pp. 271-284.
14. Campbell, D. (1992) *Writing Security: United States Foreign Policy and the Politics of Identity* (Minneapolis: University of Minnesota Press)
15. Cole Harvey and Richard Sabatini, '**Russia's lukewarm support for international sanctions against Iran: history and motivations**', 15 April 2010, < <http://www.nti.org/analysis/articles/russias-support-sanctions-against-iran/>> (accessed 29 August 2012).

16. Dmitri Trenin, 2013, *RUSSIA IN THE MIDDLE EAST: MOSCOW'S OBJECTIVES, PRIORITIES, AND POLICY DRIVERS*, Chicago Council on Global Affairs, [https:// https://globalaffairs.org/](https://globalaffairs.org/).
17. Eléna Morenkova Perrier, "The Key Principles of Russian Strategic Thinking", The Institute for Strategic Research of the Ecole Militaire (IRSEM), 2014.
18. *Geopolitics: Global Problems and Regional Concerns, Bison Paper 4, Winnipeg, Manitoba, 2004, pp. 75–102*.
19. Georgy Filin, 'Russia, Iran and China will create a counterbalance to the US?', *Versiya*, No. 38, 3–9 October 2011, p. 4.
20. González, F.J.R., 2013, The concept of Russian Foreign Policy: A Comparative Study (DIEEEM06-2013). Framework Document. <http://www.ieee.es en>.
21. Herman Pirchner, 'The Russian mind today: a geopolitical guide', *The American Spectator*, December 2010/January 2011, pp. 70–75.
22. Ingmar Oldberg, 2010, *Russia's Great Power Strategy under Putin and Medvedev*, Swedish Institute of International Affairs. of International Affairs. [www. ui.se](http://www.ui.se)
23. IAEA Board of Governors, 'Report on the implementation of the NPT safeguards agreement and relevant provisions of Security Council Resolutions 1737 (2006), 1747 (2007) and 1803 (2008) in the Islamic Republic of Iran', GOV/2008/38, 15 September 2008, < http://www.iaea.org/newscenter/focus/iaecairan/iaea_reports.shtml> (accessed 3 July 2011).
24. Iskenderov, Pyotr (2010), 'Iran criticizes Russia', *Vremya Novostei*, 26 July 2010, p. 4
25. John C. Shenna, 'The case against the case against Iran: regionalism as the West's last frontier', *The Middle East Journal*, 64(3), Summer 2010, pp. 341–363.
26. Julien Mercille and Alun Jones, 'Practicing radical geopolitics: logics of power and the Iranian nuclear "crisis"', *Annals of the Association of American Geographers*, 99(5), November 2009, pp. 856–862.
27. Klinke, I. (2009). Five minutes for critical geopolitics: A slightly provocative introduction. Retrieved from <http://www.exploringgeopolitics.org/>.
28. Kononenko, Vadim (2003), *From Yugoslavia to Iraq: Russia's Foreign Policy and the Effects of Multipolarity*, The Finnish Institute of International Affairs.
29. Mark Katz, 'Russian–Iranian relations in the Obama era', *Middle East Policy*, 17(2), Winter 2010, pp. 62–69.
30. Mark N. Katz, 'Putin, Ahmadinejad and the Iranian nuclear crisis', *Middle East Policy*, 13(4), Winter 2006, pp. 125–131.

31. Mohamed El-Khawas, 'Obama's engagement strategy with Iran: limited results', *Mediterranean Quarterly*, 22(10), Winter 2011, pp. 93–113.
32. National Security Strategy of the Russian Federation to 2020. Approved by Decree of the President of the Russian Federation, No. 537, 12 May 2009, < <http://rustrans.wikidot.com/russia-s-national-security-strategy-to-2020>> (accessed 15 August 2012).
33. Nikola Sokov, 'Missile defence: towards practical cooperation with Russia', *Survival*, 52(4), August–September 2010, pp. 121–130.
34. Nikolai Surkov, 'Russian initiative provides hope for compromise with Iran', *Nezavisimaya Gazeta*, 18 August 2011, p. 7.
35. O'Loughlin, John, Gearad O'Tuathail, & Vladimir Kolossov (2004), A, Risky Westward Turn? Putins 9 – 11 Script and ordinary Russians, *Europe-Asia Studies*, Vol 56, 3–34.
36. Omelicheva, Mariya Y. Russia's Foreign Policy Toward Iran: A Critical Geopolitics Perspective, *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 14(3): 331-344, 2012.
37. Robert O. Freedman, 'Russia, Iran and the nuclear question: the Putin record', Strategic Studies Institute, US Army War College, Carlisle, PA, 2006, < <http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil/pdf/files/pub737.pdf>> (accessed 30 August 2012).
38. Seyed Jalal Dehghani Firoozabadi, 'Ontological security and the foreign policy analysis of the Islamic Republic of Iran', *Iranian Review of Foreign Affairs*, 2(2), Summer 2011, pp. 31–60.
39. Shakleyina, Tatyana and Aleksei Bogaturov (March 2004) "The Russian Realist School of International Relation". *Communist and Post Communist Studies*. 37(1): 37-51.
40. Stanislav Secieru, 'Russia's quest for strategic identity', NATO Defense College Occasional Paper, Rome, Italy, 2006, p. 19.
41. Steffany Trofino and Alexandr Nemets, 'Russia: tipping the balance in the Middle East', *The Journal of Slavic Military Studies*, 22(3), August 2009, pp. 367–382.
42. The 2010 Russian Military Doctrine. Approved by Decree of the President of the Russian Federation, 5 February 2010, < <http://www.worldpoliticsreview.com/documents/show/133>> (accessed 15 August 2012).
43. *The International Studies Encyclopedia*, Vol. II, Blackwell, Oxford, 2010, pp. 683–701; Gerard Toal Tuathail, 'Towards conceptual clarity in the critical study of geopolitics', in Lasha Tchamouridze (ed.),
44. Thomas Ambrosio, 'Catching the "Shanghai spirit": how the Shanghai cooperation organization promotes authoritarian norms in Central Asia', *Europe-Asia Studies*, 60(8), October 2008, pp. 1321–1344.

45. Vladimir Sazhin, 'What kind of Iran is beneficial for Russia?', *Vremya Novostey*, 5 March 2010, p. 5.
46. Yelena Chernenko, 'Russia radiates nuclear resolution', *Kommersant*, 17 August 2011, p. 6.
47. Walter J. (2002), Semester Geographie Kritische Geopolitik – eine engagierte Wissenschaft? Heiko Schmid Geographisches Institut Ruprecht-Karls-Universität Heidelberg.